

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۹ می ۲۰۲۱

بشار اسد با ۹۵ درصد آراء

برای چهارمین بار رئیس‌جمهور سوریه شد مبارک است؟!

این خبر خوشی برای خامنه‌ای و رئیسی است. مگر رئیسی چه کم و کسری از اسد دارد که ۹۵ درصد آرای ناقابل را از صندوق درنیاورد؟ کی به کیه؟ هر کسی را خواستند انتخاب می‌کنند و در کنارش یکی دو نفر را به عنوان دکور قرار می‌دهند تا کمی بازار تبلیغاتی انتخاباتی‌شان داغ و هیجانی کنند و سپس از مردم می‌خواهند فرد منتخب آن‌ها را مورد تأیید قرار دهند. هر رقیمی خواستند از صندوق درمی‌آورند و اعلام می‌کنند! نمایشی مضحک اما تلخ و مرگبار! با این تفاوت که دولت بشار در میان جنگ و خونریزی هرچه بیش‌تر خاک به چشم مردم می‌پاشد و در غیاب رسانه‌ها و مخالفت‌ها خودش را برنده انتخابات اعلام می‌کند اما وضعیت در ایران چنین نیست. یعنی جمهوری اسلامی به اندازه بشار اسد نمی‌تواند دروغ بزرگ خود را به جامعه بقبولاند. چرا که نمایش انتخابات ریاست جمهوری پیش روی در ایران، بیش از همه انتخابات گذشته‌اش با بایکوت مستقیم اقشار مختلف جامعه روبه‌رو است. به علاوه مردم سوریه در میان جنگ و کشتار دولتی و غیردولتی فعلاً امکان اعتراض ندارند اما در ایران فضای اعتراضی بسیار بالاست. به همین دلیل حکومت انواع و اقسام نیروهای سرکوبگر شخصی و نظامی خود را به حال آمادگی درآورده است تا هرگونه اعتراض مردمی را در نطفه خفه کند. با این وجود سران و مقامات و نهادهای سیاسی و نظامی و قضائی جمهوری اسلامی شدیداً نگران خیزش مردمی قوی‌تر و رادیکال‌تر از خیزش‌های سال‌های ۹۶ و ۹۸ هستند.

برای نمونه احمد توکلی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به انباشت مطالبات مردم هشدار داده و این‌چنین اقرار کرده است: «کرونا در حال حاضر مانع شورش تهی‌دستان است.» او به روزنامه فرهیختگان گفت: «نباید خود را فریب دهیم، در طول ۴۰ سال گذشته ما هیچ‌گاه از این میزان فعلی پائین‌تر نبوده‌ایم و اکنون در حداقل‌ترین میزان ممکن از نظر اعتماد مردم به حکومت قرار داریم.»



لبخندهای «ملیح» بشار اسد با خامنه‌ای در اسفند ۹۷ در تهران و خامنه‌ای و رئیسی

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: «من در آبان‌ماه و پیش از آن اتفاقات عنوان کردم که باید منتظر شورش تهی‌دستان باشید. اکنون هم می‌گویم خطر بیش‌تر است، ولی کرونا در حال حاضر مانع است.»

نمایش انتخابات سوریه تنها در مناطقی که تحت کنترل دولت است برگزار شد و مناطق کردنشین (روژآوا) به طور کلی آن را تحریم کردند.

تلویزیون دولتی سوریه اعلام کرد که بشار اسد، برای چهارمین بار در انتخابات ریاست جمهوری این کشور پیروز شده است.

به گزارش العربیه به نقل از رسانه‌های حکومتی سوریه، بشار اسد در این انتخابات که تنها دو نامزد گمنام رقیبش بودند، بیش از ۹۵ درصد آرا را به دست آورده است.

اتحادیه اروپا روز پنج‌شنبه اعلام کرد، این انتخابات را که در مناطق زیر سلطه دولت برگزار شد، به رسمیت نمی‌شناسد، زیرا «با معیارهای دموکراسی سازگار نیست و به حل بحران سوریه کمک نمی‌کند.»

به گزارش العربیه، مخالفان حکومت اسد نتیجه انتخابات را «مضحکه» خواندند و آن را رد کردند.

بشار اسد و همسرش روز چهارشنبه ۲۶ مه ۲۰۲۱ در یک حوزه رای‌گیری در شهر دوما رای خود را به صندوق انداختند، شهری که پیشتر مقر مخالفان مسلح دولت بود.

رسانه‌های حکومتی سوریه ادعا کردند که میزان مشارکت در انتخابات ۶۶.۷۸ درصد بود.

بشار اسد در سال ۲۰۰۰ میلادی، پس از درگذشت پدرش حافظ اسد که رئیس‌جمهوری مادام‌العمر سوریه بود، به قدرت رسید.

وزرای خارجه آمریکا و چهار قدرت دیگر غربی، سه‌شنبه گفتند که این انتخابات خارج از چارچوب تعیین شده در قطع‌نامه ۲۲۴۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

بر اساس قطع‌نامه سازمان ملل که برای پایان دادن به درگیری‌ها در سوریه تصویب شده بود، قرار بود پیش از انتخابات ریاست جمهوری در این کشور، قانون اساسی جدیدی تدوین شود و زیر نظر سازمان ملل به همه‌پرسی گذاشته شود. اما در این زمینه پیشرفتی حاصل نشده است.

اسد روز چهارشنبه هنگام انداختن رای خود به صندوق گفت که نظر غرب «هیچ» ارزشی ندارد.

انتخابات سوریه در نواحی تحت کنترل دولت و در برخی سفارتخانه‌های سوریه در خارج برگزار شد.

تظاهرات بزرگی علیه انتخابات در استان ادلب که در کنترل مخالفان اسد است برگزار شد و مخالفان تبعیدی هم این رای‌گیری را ساختگی خواندند.

حمودا صباغ، رئیس مجلس سوریه، در یک کنفرانس زنده خبری گفت که آقای اسد برنده ۱.۹۵ درصد آرا شده است. او میزان مشارکت را ۶.۷۸ درصد اعلام کرد.

براساس آمار رسمی دو رقیب او، عبدالله سلوم عبدالله و محمود احمد ماری به ترتیب ۵.۱ و ۳.۳ آرا را کسب کردند.

مخالفان حکومت اسد این رای‌گیری را یک نمایش مضحک توصیف کرده‌اند.

در ماه مارس ۲۰۱۱ تظاهرات دموکراسی خواهی در شهر درعا در جنوب سوریه برپا شد که ملهم از جنبش «بهار عربی» در کشورهای همسایه بود. اما پس از آن که نیروهای دولتی برای سرکوب تظاهرکنندگان به زور متوسل شدند تظاهرات اعتراض‌آمیزی در سراسر سوریه برپا شد که در آن مردم خواستار کنارگیری بشار اسد بودند.

زمستان سال ۱۳۸۹، یعنی در ماه‌های اولیه بهار عربی که که هنوز سوریه از امواج آن در امان بود، بشار اسد با قاطعیت ادعا کرده بود که سوریه به لحاظ مناسبات دولت و ملت کشوری متفاوت از کشورهای بحران‌زده عربی است و دامنه این امواج هیچ‌گاه به آن نخواهد رسید.

حدود ده ماه پس از شروع جنگ داخلی در سوریه، یعنی در آبان ۱۳۹۰ اسد در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود با یک رسانه خارجی (ساندی تایمز) در باره این جنگ، اعتراف کرد که «در هفته‌های اول اشتباه کردیم و در کاربرد خشونت علیه معترضان و «عدم تفکیک» میان آن‌ها به راه خطا رفتیم». اما او در عین حال مدعی شد که «سوریه به راه سایر رهبران سرسخت و واقعیت‌گریز عربی نرفته و در مقابله با اعتراض‌ها به سرعت به اصلاحات روی آورده است». اما، وقتی که در تیر ۱۳۹۰، ۱۵۰ چهره برجسته اپوزیسیون «مسالمت‌جو» و «دمکرات سوریه» که سال‌ها برای برکناری حکومت اسد فعالیت کرده بودند و به زندان رفته بودند، در فراخوانی مطالبات سه‌گانه‌ای را مبنی بر عدم استقرار نیروی نظامی و کشاندن درگیری‌ها به درون شهرها، آزادی زندانیان سیاسی و دیالوگ میان حکومت و مخالفان برای گذار به یک نظام دمکراتیک مطرح کردند، حکومتیان گوش خود را به این فراخوان بستند و تنها به حربه سانسور و سرکوب و فضای پولیسی بیش‌تر علیه معترضین روی آوردند.

همزمان در ترکیه «ارتش آزاد سوریه» تشکیل شد تا با حمایت دولت‌های منطقه‌ای و جهانی وارد جنگ داخلی سوریه شود. در نتیجه کمک اعتراضات مردم رنگ باخت و جای آن را نیروهای پولیس و ارتش دولتی از یک سو و شبه‌نظامیان مسلح مخالف حکومت بشار اسد با حمایت دول خارجی در مقابل هم صف‌آرایی کردند.

در نتیجه صف‌ها و جبهه‌ها در صفوف مخالفان و به خصوص سر برآوردن «داعش» در بخشی از سوریه و عراق عملاً مردم سوریه در میان دو جبهه جنگ‌طلب دولتی و مخالف آن قرار گرفتند.

با این همه حکومت بشار اسد ناتوان‌تر از آن بود که بدون ورود همه‌جانبه روسیه به جنگ و تشدید حمایت جمهوری اسلامی ایران بتواند حاکمیت خود را سرپا نگه دارد. با حضور این دو حکومت در جنگ داخلی سوریه در پائیز ۱۳۹۴ و کمک موثر آن‌ها به حکومت اسد در مقابله با نیروهای جبهه مخالف، عملاً حالا کار به جایی رسیده که حکومت اسد دوباره توانسته بر حدود ۷۰ درصد خاک کشور مسلط شود.

در کنار جنگ و خشونت و فساد و ناکارایی دستگاه حکومتی وضعیت اقتصادی را حالا در بدترین شرایط ممکن قرار داده است.

البته پیروزی نظامی حکومت اسد در این جنگ داخلی، با معضلات و مشکلاتی روبه‌رو است. بخش‌های مهمی از سوریه در غرب و شمال کشور در تصرف گروه‌های مسلح اسلام‌گرا (ادلب)، یا ترکیه (ادلب و بخشی از مناطق کردنشین)، یا مردم‌کرد (روژآوا) است که نسبتاً آرمان‌ترین منطقه سوریه به شمار می‌رود.

اکنون حفظ کریدور عراق- سوریه- لبنان، ارتباط تهران با «محور مقاومت» و تامین و تسلیح گروه‌هایی مانند حزب‌الله، مانور در کنار مرزهای «اسرائیل» و حفظ «عمق استراتژیک» برای جمهوری اسلامی ایران، سخت‌تر و فرسایشی شده است.

در چنین شرایطی، احتمالاً جمهوری اسلامی در تحولات آتی سوریه، متضرر اصلی خواهد بود و به سختی می‌تواند موقعیت ممتاز تا کنونی در سوریه را حفظ کند.

اسرائیل از طریق تعامل و گفت‌وگوهای فشرده با روسیه همواره به پایگاه‌ها و مقرهای مربوط به جمهوری اسلامی در خاک سوریه جمله می‌کند و عملاً در پی آن سیاستی است که حکومت اسد خروج جمهوری اسلامی ایران را برای بقای خود انتخاب کند.

آیت‌الله خامنه‌ای و مقامات سپاه مدعی‌اند که حضور جمهوری اسلامی در منطقه صرفاً جنبه مستشاری و معنوی دارد، ولی همان آماری هم که مراجع رسمی تا سال ۱۳۹۵ از تعداد «شهدای حرم» منتشر می‌کردند و بعداً به دلیل حساسیت عمومی آن را متوقف کردند، نشان‌دهنده شمار بالای قربانیان در میان نیروهای اعزامی به سوریه است.

روزنامه‌های حکومتی ایران در سال ۱۳۹۵ رقم «شهدا» در جنگ داخلی سوریه را دو هزار نفر اعلام کرده بودند. با این وجود از آمار مربوط به کشته‌شدگان افغان‌تبار که در قالب «گردان‌های فاطمیون و زینبیون» با بسیج و فرماندهی سپاه قدس به جنگ سوریه برده شده‌اند هم اطلاع دقیقی در دست نیست.

حضور موثر نیروهای نظامی و شبه‌نظامی جمهوری اسلامی ایران در جنگ سوریه، البته از همان ماه‌های اول ناآرامی‌ها در این کشور و به طور قطعی و جدی در دی ماه ۱۳۹۰ با محوریت و مأموریت ویژه سرتیپ حسین همدانی شروع شد که قاسم سلیمانی خود او را به دمشق برد و برای حکومت اسد مأموریتش را توضیح داد. در این تاریخ البته اثری از داعش که سال ۱۳۹۵ برآمد، نبود و آن گونه که خود همدانی شرح داده است که این مأموریت سپاه و بسیج در سوریه با مدیریت او عمدتاً برای حفظ «محور مقاومت»، «برقرار ماندن امکانات مقابله با استکبار» و به خصوص حراست از پل ارتباطی با حزب‌الله لبنان به عنوان «بالاترین محصول و ثمره انقلاب اسلامی در منطقه» بوده است.

جنگ ۱۰ ساله سوریه (۲۰۱۱-۲۰۲۱) بزرگترین عملیات نظامی جمهوری اسلامی در خارج از مرزهایش بوده است؛ جنگی که عمده‌ترین نبرد برای نیروهای مسلح ایران بعد از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ به شمار می‌رود.

فرماندهان سپاه و طرفداران جمهوری اسلامی می‌گویند این جنگ باعث توسعه مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی از تهران تا ساحل دریای مدیترانه شده است.

اما منتقدان و مخالفان جمهوری اسلامی می‌گویند ورود ایران به جنگ سوریه برای حمایت از بقای حکومت بشار اسد، نه تنها باعث کشته شدن شماری از نیروهای مسلح ایران و تحمیل هزینه ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلاری بر کشور شد بلکه باعث کشته و مجروح شدن صدها هزار نفر، آواره شدن میلیون‌ها نفر دیگر و نقض گسترده حقوق بشر در این جنگ و تشدید حس منفی نسبت به ایران در منطقه به‌ویژه جهان عرب شده است.

فرماندهی عالی نیروهای جمهوری اسلامی در جنگ سوریه با سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده کشته‌شده نیروی قدس بوده است. محور دخالت نظامی ایران در جنگ سوریه، نیروی قدس شاخه خارجی سپاه پاسداران بود که در سال ۱۳۷۰ به دستور آیت‌الله خامنه‌ای، دومین رهبر جمهوری اسلامی و فرمانده کل نیروهای مسلح ایران، ایجاد شد.

نیروی قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی و به دستور آیت‌الله خامنه‌ای با هدف حفظ و بقای حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، وارد جنگ سوریه شد، اما نیروی قدس در بزرگترین دخالت نظامی منطقه‌ای جمهوری اسلامی تنها نبود. اولین گروهی که از ایران و تحت امر قاسم سلیمانی و نیروی قدس به سوریه رفتند، فرماندهان امنیتی-انتظامی ایران بودند. فرماندهان سپاه پاسداران تأیید کرده‌اند که اولین دخالت جمهوری اسلامی ایران در سوریه، اعزام مستشاران انتظامی-امنیتی برای کمک به پولیس سوریه در سرکوب معترضان در دمشق بوده است.

خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران بهمن ۱۳۹۸ در گزارشی تأیید کرد که با شروع اعتراضات مردمی علیه حکومت بشار اسد در جریان بهار عربی در سال ۲۰۱۱، نیروی انتظامی با هماهنگی نیروی قدس به کمک پولیس سوریه رفته تا با شورش‌های خیابانی مقابله کند.

بنابر این گزارش، کارشناسان نیروی انتظامی به آموزش و توجیه پولیس سوریه برای سرکوب شورش‌های خیابانی پرداخته‌اند و از آنجا که پولیس سوریه از کمبود تجهیزات برای مقابله با معترضان برخوردار بوده، تجهیزات مقابله با

شورش خیابانی نیز در اختیار پولیس سوریه قرار داده شده است. این گزارش همچنین تأیید می‌کند که شماری از افسران امنیتی سوریه نیز با کمک نیروی قدس به ایران آورده شدند تا آموزش مدیریت بحران و کار اطلاعاتی و امنیتی ببینند. این گزارش در نهایت می‌گوید که جمع‌بندی کارشناسان انتظامی امنیتی ایران این بوده که برخورد اولیه نظام سوریه با معترضان فاقد پشتوانه کافی اطلاعاتی بوده و به همین دلیل، به جای برخورد انتظامی با معترضان، برخورد نظامی صورت گرفته که به وخامت اوضاع افزوده است.

در گام بعد و پس از سرکوب تظاهرات خیابانی و تبدیل راهپیمائی‌های اعتراضی به جنگ میان طرفین، سپاه قدس نیروهای نظامی بیش‌تری را که ایران آن‌ها را مستشاران نظامی می‌نامد، راهی سوریه کرد تا ارتش بشار اسد را در جنگ علیه مخالفان مسلح هدایت و فرماندهی کنند.

اما در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ نبرد حلب به عنوان بزرگ‌ترین نبرد در جنگ ۹ ساله سوریه اوج گرفت، قاسم سلیمانی حتی نیروی زمینی سپاه، یعنی بزرگ‌ترین یگان سپاه پاسداران، را نیز به کمک فراخواند. از آن دوره بسیاری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران راهی سوریه شدند و در جبهه‌های مختلف جنگ داخلی سوریه خدمت کردند. شواهد موجود نشان می‌دهد دست‌کم ۱۵ فرمانده ارشد سپاه پاسداران که هشت تن از آن‌ها سر‌تپ‌تمام سپاه بوده‌اند، به عنوان حلقه فرماندهی قاسم سلیمانی در سوریه، قرارگاه‌ها و محورهای اصلی نبرد علیه مخالفان بشار اسد را هدایت کرده‌اند که با خود او یک شبکه ۱۶ نفره فرماندهی ارشد را تشکیل داده‌اند.



این فرماندهان ارشد پیش از اعزام به سوریه در سمت‌هایی ارشد در سپاه پاسداران مانند جانشین فرمانده کل سپاه، معاون ستاد کل نیروهای مسلح، فرماندهی لشکرهای سپاه در جنگ ایران و عراق، جانشین فرمانده نیروی زمینی، معاون نیروی زمینی، فرمانده سپاه استانی و جانشین قرارگاه عملیاتی فعالیت داشته‌اند.

سرتیپ حسین همدانی، اولین فرمانده نیروهای ایرانی در سوریه و مسؤول تشکیل شبه‌نظامیان حامی بشار اسد سرتیپ همدانی، معروف به ابو‌هوب، اولین فرمانده نیروهای نظامی ایران در نهمین سال جنگ سوریه است. او که سابقه فرماندهی لشکر انصارالحسین همدان را داشت، در سال ۱۳۹۰ به دعوت قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس به سوریه رفت و تا سال ۱۳۹۳ فرماندهی نیروهای نظامی سپاه پاسداران در سوریه را بر عهده داشت.

حسین همدانی مؤسس نیروهای شبه‌نظامی طرفدار حکومت بشار اسد در سال ۱۳۹۱ است که بر اساس الگوی بسیج در ایران تشکیل شدند. او در این باره گفته است هنگامی که به سوریه رفته، مخالفان اسد تا دروازه‌های دمشق و نزدیکی کاخ ریاست‌جمهوری رسیده بودند و احتمال می‌رفت اسد از دمشق فرار و حکومت او سقوط کند.

سرتیپ همدانی که در اعتراضات ضد حکومتی سال ۱۳۸۸ فرماندهی سپاه تهران را بر عهده داشت و بنا بر اظهارات خودش، چهار پنج هزار نفر از او‌باش تهران را در چارچوب سه گردان برای سرکوب تظاهرکنندگان مخالف حکومت سازماندهی و تجهیز کرده بود، به محض رسیدن به سوریه در عمل به‌عنوان معاون قاسم سلیمانی در کل سوریه ظاهر شد.

او به گفته فرماندهان سپاه ۵۰ هزار شبه‌نظامی طرفدار بشار اسد را مسلح و راهی میدان‌های نبرد کرد؛ شبه‌نظامیانی که از طرف سپاه و حکومت سوریه دفاع وطنی نامیده شدند، اما مخالفان آن را در یک عنوان گذاری عمومی شبیحه نامیده‌اند و مسؤول کشتار غیرنظامیان می‌دانند.

حسین همدانی عالی‌رتبه‌ترین فرمانده سپاه پاسداران است که در جنگ ۹ ساله سوریه کشته شده است. او در سال ۱۳۹۴ در جریان نبرد حلب و هنگامی که دیگر فرمانده نیروهای ایرانی در سوریه نبود کشته شد. محمدجعفر اسدی از سال ۱۹۹۴ و تحت امر قاسم سلیمانی به عنوان دومین فرمانده نیروهای ایرانی در سوریه منصوب شد. او پیش از آنکه به سوریه برود، با حکم آیت‌الله خامنه‌ای، سابقه فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران را در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ در پرونده کاری خود داشت.

در واقع سرتیپ اسدی از نظر سازمانی، فرماندهی هم‌رده قاسم سلیمانی و در سطح فرمانده یکی از نیروهای چهارگانه سپاه بوده است، اگرچه از نظر سابقه رزمی بسیار بیشتر و پیشتر از قاسم سلیمانی در جنگ ایران و عراق سابقه فرماندهی عملیاتی داشته است. سرتیپ اسدی تمامی هشت سال جنگ ایران و عراق را به عنوان فرمانده یگان‌های رزمی از جمله فرمانده تیپ ۳۳ المهدی در جنگ حضور داشت. او با ۴۱ سال سابقه عضویت در سپاه و ۷۲ سال سن، مسن‌ترین فرمانده ارشد یونیفرمپوش و در حال فعالیت در سپاه پاسداران به شمار می‌رود.

محمدجعفر اسدی که بعد از بازگشت از سوریه به عنوان معاون بازرسی قرارگاه خاتم‌الانبیا، مهم‌ترین قرارگاه جنگی ایران، منصوب شد، می‌گوید نتیجه حضور ایران در جنگ سوریه تشکیل شش ارتش (گروه نیابتی) بوده است. او از حزب‌الله لبنان، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان، و دفاع الوطنی سوریه به عنوان مهم‌ترین این ارتش‌ها یاد می‌کند. عالی‌رتبه‌ترین فرمانده سپاه پاسداران از نظر سلسله‌مراتب نظامی که در جنگ سوریه حضور مستقیم داشته، سرتیپ محمد حجازی است. او در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران یعنی نفر دوم در سلسله مراتب فرماندهی سپاه بود. سرتیپ حجازی هنگامی که جنگ سوریه آغاز شد، در لبنان در حال همکاری با حزب‌الله بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین گروه نیابتی جمهوری اسلامی در خاورمیانه بود.

سرتیپ حجازی پس از شروع جنگ سوریه، به دلیل سابقه حضورش در لبنان، از سوی قاسم سلیمانی به سوریه فراخوانده شد و از مسؤولان ارشد هماهنگی سپاه و حزب‌الله لبنان در سوریه به شمار می‌رفت. از محمد حجازی به عنوان یکی از مسولان اصلی تجهیز حزب الله لبنان به موشک‌هایی یاد می‌شود که اسرائیل همواره از آن به عنوان تهدید یاد کرده است.

گزارش‌های متعددی منتشر شده که نشان می‌دهد اسرائیل در ۱۰ سال گذشته بارها انبارهای موشکی ایران در سوریه یا کاروان‌های حامل موشک و تجهیزات راهبردی به سمت لبنان را هدف قرار داده است.

محمد حجازی هنگامی که به سوریه رفت، به دلیل سابقه فرماندهی بسیج و نیز فرماندهی در قرارگاه ثارالله تهران، از سوابق طولانی در سرکوب‌های شهری برخوردار بود. سرتیپ حجازی که هم‌اکنون و پس از کشته‌شدن قاسم سلیمانی به جانشینی فرمانده نیروی قدس انتخاب شده، پیش از این رئیس ستاد مشترک سپاه نیز بوده و تمام هشت سال جنگ ایران و عراق را در جنگ گذرانده است. او از سابقه فعالیت ۴۱ ساله در سپاه پاسداران برخوردار است و مدتی نیز معاون تحقیقات صنعتی ستاد کل نیروهای مسلح ایران بوده است.

دومین فرمانده ارشدی که با شدت گرفتن نبرد حلب در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به شمال سوریه فراخوانده شد، سرتیپ عبدالله عراقی جانشین وقت فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران بود. او هنگامی که به سوریه اعزام شد، ارشد همه فرمانده لشکرهای نیروی زمینی سپاه در سراسر کشور محسوب می‌شد.

سرتیپ عراقی گفته است که شخصاً در عملیات تصرف حلب شرکت داشته و نبردها را هدایت کرده است. او در یک برنامه تلویزیونی در صدا و سیما جمهوری اسلامی به نام «ملک سلیمان» که به مناسبت چهلمین روز کشته شدن قاسم سلیمانی پخش شد، برای نخستین بار اعلام کرد که حضور نظامی ایران در سوریه و عراق از سال ۱۳۹۴ به بعد دیگر مستشاری نبوده و نیروهای سپاه پاسداران بنا به دستور مستقیم خامنه‌ای به طور مستقیم وارد جنگ‌های سوریه و عراق شده‌اند. این در حالی است که در تمامی ۱۰ سال گذشته و حتی تاکنون نیز موضع رسمی جمهوری اسلامی این است که در سوریه فقط حضور مستشاری داشته و دارد.

سرتیپ عراقی می‌گوید همراه با سرتیپ علی اکبر پورجمشیدیان معاون عملیات و سرتیپ صالح اسدی معاون اطلاعات نیروی زمینی سپاه در حلب حاضر شده‌اند. سرتیپ عراقی همچنین تأیید کرده که در سال ۹۴ فرماندهی نیروهای سپاه پاسداران را که برای مقابله با داعش وارد منطقه خانیقین عراق شده بودند، بر عهده داشته است. او گفته است که شخصاً توپخانه‌های سپاه را برای نبرد با داعش به استان دیالی عراق انتقال داده و مستقر کرده است.

سرتیپ محمدرضا فلاح‌زاده، معروف به ابوباکر، یکی از ناشناخته‌ترین فرماندهان ارشد سپاه است. او در سلسله‌مراتب نیروی قدس معاون هماهنگ‌کننده است و این به آن معناست که او سومین مقام ارشد نیروی قدس به شمار می‌رود. سرتیپ فلاح‌زاده از فرماندهان قدیمی سپاه و فرمانده سابق تیپ الغدیر در لشکر ۱۹ فجر فارس است. او در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، به مدت شش سال استاندار یزد بود و با روی کار آمدن دولت حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ به سوریه رفت.

سرتیپ فلاح‌زاده در سوریه از دستیاران نزدیک قاسم سلیمانی در تمامی محورهای درگیری در سوریه بود و یکی از پنج فرمانده اصلی سپاه در نبرد ۲۰۱۴-۲۰۱۶ حلب به شمار می‌رود که سپاه نام عملیات نصر را بر بخشی از آن گذاشته است.

سرتیپ فلاح‌زاده، به دلیل عملکردش در نبرد حلب و جنگ سوریه، در اسفند سال ۱۳۹۷ به توصیه قاسم سلیمانی و با موافقت آیت‌الله خامنه‌ای به درجه سرتیپ‌تمامی نائل شد و به سمت معاون هماهنگ‌کننده نیروی قدس انتخاب شد. او در این سمت جایگزین اصغر صیوری شد که او نیز از سابقهٔ چهل‌ویک ساله در سپاه برخوردار است. فرماندهانی مانند او به‌رغم اینکه بیش از ۴۰ سال در سپاه پاسداران بوده‌اند، هنوز بازنشسته نشده‌اند. یک روایت معروف غیرمکتوب در ایران وجود دارد که آیت‌الله خامنه‌ای به درخواست غلامعلی رشید، فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا، مهم‌ترین قرارگاه جنگی جمهوری اسلامی، با ادامه فعالیت و بازنشسته نشدن شمار زیادی از فرماندهان نسل اول سپاه موافقت کرده است.

سرتیپ علی‌اکبر پورجمشیدیان از جمله فرماندهان ارشدی بود که با سخت و طولانی شدن نبرد حلب به سوریه فراخوانده شد. او هنگامی که به جنگ سوریه اعزام شد، معاون عملیات نیروی زمینی سپاه بود و از نظر عملیاتی بر بسیاری از لشکرها و تیپ‌های رزمی سپاه اعمال فرماندهی می‌کرد و در عمل طراحی عملیاتی در بالاترین سطح سپاه را بر عهده داشت. پورجمشیدیان پیش از آن نیز سابقه شرکت در جنگ ایران و عراق و فرماندهی سپاه استانی عاشورا در آذربایجان شرقی را داشت.

او بلافاصله پس از شرکت در نبرد حلب و بازگشت به ایران، از طرف آیت‌الله خامنه‌ای مورد تشویق قرار گرفت و با دریافت درجه سرتیپ‌تمامی به سمت معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه پاسداران منصوب شد که سومین مقام ارشد آن به شمار می‌رود.

سرتیپ رحیم نوعی اقدم، معروف به ابوحسین، دستکم در سه نبرد و منطقه جنگی مهم سوریه حضور داشته و یکی از نزدیکترین فرماندهان به قاسم سلیمانی بوده است. او از فرماندهان سپاه استانی آذربایجان شرقی و لشکر ۳۱ عاشورا، یکی از مهمترین یگان‌های رزمی نیروی زمینی سپاه پاسداران در شمال غربی ایران، بوده است.

سرتیپ نوعی اقدم در جنگ سوریه فرمانده قرارگاه عملیاتی زینب یکی از قرارگاه‌های اصلی سپاه در این کشور بود. او خود گفته که محل اصلی فعالیتش در سوریه، مناطق جنوبی و نزدیک بلندی‌های جولان بوده است. نوعی اقدم سپس در سال ۲۰۱۴ و با بالا گرفتن نبرد سرنوشت‌ساز حلب همانند بسیاری دیگر از فرماندهان ارشد سپاه به حلب فراخوانده شد و مسئولیت یکی از محورهای درگیری در این منطقه به او سپرده شد.

پس از پایان نبرد خونین حلب که با بمباران شدید مناطق مسکونی از سوی نیروی هوایی سوریه و هواپیماهای روسیه و تلفات شدید غیرنظامیان همراه بود، سرتیپ نوعی اقدم به مأموریت دیگری در شرق سوریه اعزام شد. نیروی قدس تلاش کرد بعد از جنگ حلب با تصرف مناطق بیشتری از شرق سوریه، راه زمینی بین عراق و سوریه را که به کنترل داعش درآمده بود به کنترل درآورد و از این طریق ارتباط زمینی بین ایران، عراق، سوریه و لبنان را برای حمایت از گروه‌های نیابتی وابسته به ایران فراهم کند.

سرتیپ نوعی اقدم گفته است که در این چارچوب، او نبردها در ۱۵۰ کیلومتری مرز بوکمال عراق در جاده بغداد-دمشق را فرماندهی کرده است؛ منطقه‌ای که گفته می‌شود پایگاه امام علی نیروی قدس به عنوان مهمترین پایگاه نظامی ایران در سوریه در آنجا در حال ساخت است. برخی گزارش‌ها از بمباران‌های متوالی این پادگان توسط اسرائیل برای جلوگیری از ساخت آن حکایت می‌کند.

سرتیپ محمدعلی الله‌دادی تنها فرمانده سپاه استانی ایران است که در سوریه کشته شده است. او پیش از اعزام به جنگ سوریه، فرمانده سپاه الغدیر یزد بود. سرتیپ الله‌دادی در جریان جنگ ایران و عراق از فرماندهانی بود که در لشکر ۴۱ ثارالله فعال بود که قاسم سلیمانی فرماندهی آن را بر عهده داشت.

در جریان جنگ سوریه، سرتیپ الله‌دادی از فرماندهان بخش‌های جنوبی سوریه و نزدیکی بلندی‌های جولان بود. او در حمله دی ماه ۱۳۹۳ اسرائیل به دو خودروی نیروهای ارشد حزب‌الله لبنان در مرز سوریه با اسرائیل در نزدیکی بلندی‌های جولان کشته شد.

همراه با او، جهاد مغنیه، پسر عماد مغنیه، مهمترین فرمانده نظامی حزب‌الله، نیز کشته شد. خود عماد مغنیه نیز که از نزدیکترین افراد به قاسم سلیمانی بود، در سال ۲۰۰۸ در یک بمب‌گذاری در دمشق کشته شده بود. هم مغنیه و هم سلیمانی وقتی کشته شدند، در فهرست تروریستی امریکا بودند.

وقتی نبرد حلب در تابستان ۲۰۱۶ اوج گرفت، نیروهای ارتش سوریه همراه با شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران آماده شدند تا حملات زمینی گسترده برای بازپس‌گیری شهر استراتژیک حلب را از مخالفان شروع کنند. شمار زیادی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران نیز در اطراف حلب حاضر شدند و فرماندهی میدانی نبرد در محورهای مختلف را بر عهده گرفتند.

در این نبرد شدید چندماهه، نیروی هوایی سوریه و مهم‌تر از آن بمب‌افکن‌های سنگین روسی وظیفه حمایت از نیروهای حامی اسد را بر عهده داشتند. هواپیماهای روسی برای شرکت در این نبرد، گاه از روسیه تا سوریه را با توقی در پایگاه هوایی نوژه در غرب ایران پرواز می‌کردند. با وجود تمامی این تمهیدات، یک فرمانده خاص نیز از تهران به اطراف حلب فراخوانده شد تا هدایت آتشبارهای توپخانه آرایش‌گرفته در جنوب حلب را بر عهده بگیرد.

به درخواست قاسم سلیمانی، فرمانده اصلی عملیات حلب، سرتیپ محمود چهارباغی، فرمانده پیشین توپخانه نیروی زمینی سپاه، به حلب فراخوانده شد. ترکیب حملات توپخانه تحت هدایت سرتیپ چهارباغی و حملات هوایی سنگین چندماهه، در عمل، شرق حلب را که در اختیار مخالفان اسد بود به یکی از نمادهای اصلی ویرانی جنگ در سوریه تبدیل کرد، به نحوی که پس از خروج مخالفان از حلب، تصاویر بسیار دهشتناکی از این شهر ویران شده به سراسر جهان مخابره شد.

محمود چهارباغی که بعدها به خاطر نقش خود در عملیات حلب از سوی آیت الله خامنه‌ای مورد تشویق ویژه قرار گرفت، در عمل مسئول بخشی از ویرانی شهر تاریخی حلب و کشته و زخمی شدن هزاران غیر نظامی در این شهر بود.

آیت الله خامنه‌ای بلافاصله پس از کشته شدن قاسم سلیمانی در دی ماه ۱۳۹۸ در حمله هوایی امریکا در بغداد، اسماعیل قآنی، جانشین او، را به فرماندهی نیروی قدس منصوب کرد. سرتیپ قآنی مؤسس و تشکیل‌دهنده اصلی تیپ فاطمیون، یکی از مهم‌ترین گروه‌های نیابتی سپاه پاسداران، است. این تیپ از افغان‌های عمدتاً مقیم ایران تشکیل شد و بعدها وسعت یافت و به لشکر تبدیل شد. فاطمیون در جریان جنگ سوریه برای حفظ حکومت بشار اسد نقش اساسی ایفا کرد. رابطه سرتیپ قآنی و اعضای قدیمی‌تر تیپ فاطمیون به بیش از ۳۰ سال پیش بر می‌گردد. در اوایل دهه ۱۳۷۰، هنگامی که قآنی به نیروی قدس پیوست، هنوز قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ تارالله کرمان بود و به نیروی قدس نپیوسته بود. اسماعیل قآنی در آن سال‌ها به عنوان جانشین (معاون ارشد) احمد وحیدی، اولین فرمانده نیروی قدس، فعالیت می‌کرد و به‌طور هم زمان مسئول پرونده افغانستان در نیروی قدس بود. او سال‌ها رابط ایران با گروه‌های مجاهدین افغان بود که علیه طالبان می‌جنگیدند.

اسماعیل قآنی به دلیل همین سوابق و تجربیاتی که در ارتباط با گروه‌های افغان داشت، وقتی جنگ سوریه آغاز شد، در نقش مسئول اصلی تشکیل تیپ فاطمیون و سازماندهی و تجهیز افغان‌های مقیم ایران و اعزام آن‌ها به سوریه ظاهر شد. اعضای تیپ فاطمیون سه دسته بودند که هر سه دسته به نحوی به قآنی وصل بودند. دسته نخست کسانی بودند که در دوران جنگ ایران و عراق، هنگامی که قآنی فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا و لشکر پنج نصر بود، در یگان‌های تحت امر او علیه ارتش صدام حسین جنگیده بودند.

دسته دوم افغان‌هایی بودند که در جنگ‌های داخلی افغانستان از حمایت سپاه پاسداران و فرماندهانی مانند قآنی برخوردار بودند.

دسته سوم جوانان افغان مقیم ایران و عمدتاً ساکن خراسان بودند که یا با انگیزه‌های مذهبی و یا به خاطر دریافت پول و مدارک اقامت در ایران به تیپ فاطمیون پیوسته بودند.

قآنی که خود متولد مشهد بود، این شهر را که برای چهار دهه محل اقامت مهاجران افغان بود، به کانون شکل‌گیری تیپ فاطمیون تبدیل کرد. از طرف دیگر به هر میزان که جنگ سوریه طولانی می‌شد و دامنه آن گسترش می‌یافت، فاطمیون نیز بزرگتر می‌شد تا حدی که برخی از فرماندهان ایرانی مدعی هستند که حالا از یک لشکر هم بزرگتر است.

اسماعیل قآنی علاوه بر این در تمامی دورانی که قاسم سلیمانی در خارج از ایران و از جمله سوریه بود، به عنوان جانشین او مسئولیت اداره نیروی قدس در داخل کشور را نیز بر عهده داشت.

سرتیپ هامون محمدی، فرمانده سپاه استانی گیلان؛ سرتیپ محمدعلی حق‌بین، فرمانده لشکر ۱۶ قدس مستقر در گیلان؛ سرتیپ جواد عظیمی‌فر، معاون مهندسی رزمی نیروی زمینی سپاه؛ سرتیپ عوض شهابی‌فر، فرمانده سابق سپاه استانی

کهگیلویه و بویراحمد؛ و سرتیپ حمید ارجمندی‌فر، جانشین فرمانده قرارگاه حمزه؛ پنج فرمانده دیگر سپاه هستند که در فرماندهی نیروهای سپاه و گروه‌های نیابتی مورد حمایت ایران در جنگ سوریه نقش اساسی داشته‌اند، اما اطلاعات کم تری در مورد آن‌ها در دسترس است.

چندی پیش سایت خبری مشرق، وابسته به سپاه، در گزارشی کوتاه با ارائه جدول و نمودار و با مقایسه میزان صادرات ترکیه و ایران به سوریه در خلال جنگ داخلی این کشور، نتیجه گرفته است که جمهوری اسلامی با وجود مناسبات تنگاتنگ با حکومت سوریه و داشتن قرارداد تجارت آزاد با این کشور بهره‌چندانی از دسترسی به بازار سوریه نبرده است.

بنا بر این مقایسه که بازه زمانی آبان ۱۳۸۹ تا آبان ۱۳۹۹ را در برمی‌گیرد، ترکیه به رغم قطع مناسبات اقتصادی با سوریه و ممنوعیت صدور کالا به این کشور مجموعاً ۱۴ میلیارد دلار صادرات به سوریه، همسایه جنوبی خود داشته است. این در حالی است که ایران در این مدت تنها یک میلیارد صادرات به سوریه داشته است.

مشرق می‌نویسد: «ممنوعیت‌های ایجادشده برای ترکیه و برخی دیگر از شرکای تجاری سوریه، فرصت بی‌بدیلی برای ایران به جهت گسترش حضور اقتصادی در آن کشور فراهم آورده بود که ایران با حضور کم‌رنگ خود نتوانست از آن بهره‌برد. در واقع صادرات ایران به سوریه (در این ۱۰ سال) نه تنها افزایش نیافت بلکه به شدت کاهش یافت و از ۵۱۶ میلیون دلار در سال ۸۹ به زیر ۱۰۰ میلیون دلار در سال جاری رسیده است.»

بنا بر آمارها، تقریباً در همه مناطق اطراف ایران، جمهوری اسلامی از دسترسی به بازارهای آن‌ها عقب مانده و حضور و نفوذ عمده امنیتی و نظامی و توأم با هزینه بوده است. در همین چارچوب، ایران در بازار عراق، همسایه دیوار به دیوار خود نیز عرصه را کم و بیش به ترکیه و کشورهای دیگر وا گذاشته است، امری که کارشناسان علاوه بر کیفیت نازل تر کالاهای ایرانی، به ضعف مدیریت در بازاریابی و تنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ایران و تحریم‌ها علیه این کشور هم مرتبط می‌دانند.

در سال‌های اخیر یکی از توجیهات حضور فعال نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه، محمل‌سازی برای توسعه بازارهای ایران و ایجاد مناطق انضمامی و مکمل برای اقتصاد این کشور عنوان شده است.

سردار رستم قاسمی، فرمانده اسبق قرارگاه خاتم‌الانبیا و وزیر نفت در دولت محمود احمدی‌نژاد، اخیراً در مصاحبه با سایت برنا گفت: «من در مصاحبه‌های جزئیات مابه‌ازائی را که از سوری‌ها گرفته‌ایم، آورده‌ام. ما امروز به راحتی به دریای مدیترانه متصل هستیم و این بزرگترین دستاورد ژئوپولیتیکی ایران بوده و دستاورد بزرگی است که می‌تواند به دستاوردهای اقتصادی ما توسعه ببخشد... امروز هم لقمه ۴ میلیارد دلاری بازسازی سوریه از این موارد است. امروز مپنا در سوریه نیروگاه می‌سازد تا برق خود را بفروشد و درآمد کسب کند. قیمت تمام شده سیمان در ایران ۲۲ دالر بیش‌تر نیست. این سیمان به قیمت ۸۰ دالر در سوریه خرید و فروش می‌شود. این‌ها ظرفیت‌های اقتصادی حضور ایران در سوریه است.»

این سخنان قاسمی با تازمترین آمار ارائه شده در سایت مشرق، نزدیک به سپاه قراباتی ندارد. علاوه بر آن در ماه‌های اخیر خبرهای زیادی در رسانه‌ها از خیز عربستان و امارات برای احیای رابطه با سوریه و کمک‌های گسترده به این کشور برای بازسازی خبر می‌دهند که از جمله با هدف دورکردن رژیم اسد از جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد.

همچنین حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس گفته است که جمهوری اسلامی ایران ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار به سوریه کمک کرده و این پول را باید پس گرفت. او تأکید کرد: «ملت باید بداند که پولشان کجا هزینه می‌شود.»

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، نماینده اسلام‌آباد غرب و دالاهو، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران با اشاره به سفرش (ژانویه ۲۰۱۹) به سوریه در گفت‌وگوی ویدیویی با «اعتمادآنلاین»، گفته است: «زمانی که به سوریه رفتم عده‌ای گفتند هزینه درست کردم! ولی باز هم تکرار می‌کنم ما شاید ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار به سوریه پول دادیم و باید از سوریه پس بگیریم. پول این ملت آن‌جا هزینه شده است.»

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه حدود یک سال ریاست کمیسیون امنیت ملی مجلس را برعهده داشت. زمانی که فلاحت‌پیشه ریاست کمیسیون امنیت ملی مجلس را برعهده داشت در راس یک هیات به سوریه سفر کرد و با عماد خمیس، نخست‌وزیر سوریه در آن زمان دیدار کرد. او در دیدار با نخست‌وزیر سوریه گفت که کمک‌های ایران به سوریه باید در مناسبات بین تهران و دمشق تسویه شود.

جمهوری اسلامی ایران تا به حال رسماً مقدار کمک‌های خود به سوریه را اعلام نکرده است، بنابراین اظهارات این مقام بلندپایه ایرانی به سوریه «فاکتی» شده بود مبنی بر میزان کمک‌های جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و بقای بشار اسد در سوریه جنگ‌زده.

رئیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی می‌گوید که تعداد کشته‌شدگان نیروهای ایرانی به جنگ داخلی سوریه از مرز «هزار نفر» فراتر رفته است. این آمار بیانگر حضور بیش‌تر ایران در خط مقدم جنگ با مخالفان بشار اسد است. محمدعلی شهیدی محلاتی در سخنانی که خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران در روز سه‌شنبه دوم آذر ۱۳۹۵ آن را بازتاب داده است، گفته که «اکنون تعداد شهدای مدافع حرم در کشورمان از یک‌هزار شهید فراتر رفته، البته ما مدیون همه این‌ها هستیم.»

جمهوری اسلامی ایران از نیروهای خود در درگیری‌های سوریه به نفع بشار اسد، رئیس‌جمهوری این کشور، به عنوان «مدافع حرم» نام می‌برد.

رئیس بنیاد شهید جزئیات بیش‌تری درباره تلفات نیروهای اعزامی ایران در سوریه و ملیت آن‌ها ارائه نکرده است. وی در عین حال افزوده که تاکنون بیش از «۲۱۰ هزار» کشته «تقدیم انقلاب» شده است.

آمار اعلام شده از سوی محلاتی در حالی است که او چهار ماه پیش از آن تحت پوشش قرار گرفتن ۴۰۰ خانواده «شهدای مدافع حرم» سخن به میان آورده بود. آمار جدید بیانگر افزایش شدید تلفات نیروهای اعزامی از سوی ایران به سوریه ظرف چهار ماه گذشته است. نیمی از کشته‌شدگان تا مرداد ۱۳۹۵ در سوریه از نیروهای افغان بوده‌اند.

با این حال به نظر می‌رسد که آمار تلفات نیروهای اعزامی از ایران به سوریه فراتر از این رقم باشد. به عنوان نمونه، در اردیبهشت امسال عین‌الله تبریزی، جانشین سابق فرمانده سپاه مازندران، از مرگ دست‌کم ۱۲۰۰ «رزمنده» در درگیری‌های چهار سال اخیر سوریه خبر داده بود.

جواد هاشمی، مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان قم، آبان‌ماه امسال گفته بود که در حال حاضر ۲۳۵ نفر از کشته‌شدگان جنگ سوریه در این شهر مدفون هستند.

علاوه بر نیروهای بسیجی، سپاهی و تکاورهای ارتش که از آن‌ها به عنوان «مستشار نظامی» یاد می‌شود، تیپ‌های موسوم به «فاطمیون» متشکل از نیروهای افغان و «زینبیون»، نیروهای پاکستانی شیعه نیز از سوی سپاه پاسداران سازماندهی و در کنار ارتش بشار اسد و گروه حزب‌الله لبنان در سوریه می‌جنگند. جمهوری اسلامی از سال ۱۳۹۵ تاکنون آمار کشته‌شدگان خود در سوریه را اعلام نکرده است.

بر اساس برخی گزارش‌ها، بیش از ۱۵ گروه از شبه‌نظامیان شیعه به نیابت از جمهوری اسلامی ایران در جنگ داخلی سوریه می‌جنگند.

سوریه در اثر یک دهه جنگ داخلی ویران شده است. این جنگ بعد از چند ماه سرکوب خونین معترضان که ابتدا در ماه مارس ۲۰۱۱ علیه دولت اسد به خیابان‌ها آمدند تا خواستار آزادی و دموکراسی شوند شروع شد و به یک فاجعه انسانی و اقتصادی بزرگ تاریخ منطقه تبدیل شد.

تا همین جا هم این جنگ داخلی ۱۰ ساله نزدیک به نیم میلیون انسان جان خود را از دست داده، حدود ۱۲ میلیون نفر آواره شده، از جمله ۶ میلیون نفر به کشورهای همسایه، پناه برده‌اند. میلیون‌ها کودک و جوان از تحصیل و آموزش، باز مانده‌اند، شهرها و بناها و تخریب شده‌اند و بنیان‌های اساسی اقتصادی کشور هم شدیداً آسیب دیده‌اند. همه این عوامل سبب شده‌اند که زندگی ۸۰ درصد جمعیت به زیر خط فقر برود.

در حالی که اکثریت مردم سوریه در جهنم جنگ و فقر می‌سوزند چندی پیش بشار اسد مقرری خانواده‌های «شهید» نیروهای مسلح و شبه‌نظامیان حامی حکومت در ۱۰ سال جنگ داخلی را ۵ برابر افزایش داد. این مقرری از ۱۰ هزار پوند سوری به ۵۰ هزار پوند افزایش یافت.

۵۰ هزار پوند سوری زمانی که جنگ داخلی شروع شد معادل ده هزار دالر بود، حالا اما حداکثر با ۱۳ دالر قابل تعویض است و این خود شاید بیش از هر عدد و رقمی وضعیت فاجعه‌باری که جامعه سوریه در این ۱۰ سال طی کرده است گوشزد کرد.

اسد، ۵۵ ساله، از سال دو هزار رئیس جمهور بوده است. او جانشین پدرش حافظ اسد شد که برای بیش از یک ربع قرن حاکم بود.

آخرین نمایش انتخابات سوریه در سال ۲۰۱۴ با وجود جنگ شدید در سراسر این کشور و بایکوت مخالفان برگزار شد. از آن زمان جنگ به نفع دولت اسد پیش رفته است. ارتش سوریه با کمک حملات هوایی روسیه و شبه‌نظامیان تحت امر جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان کنترل شهرهای بزرگ را به دست گرفته است.

با این حال بخش‌هایی از این کشور هنوز تحت کنترل شورشیان، نیروهای جهادی و و اثرش ترکیه و نیروهای تحت هدایت کردها (روژ آوا) است و چشم‌انداز یافتن راحلی سیاسی برای این مناقشه چندان قابل تصور نیست.

در این جنگ ده ساله خانمان‌سوز، اقتصاد سوریه به شدت ضعیف کرده است. میلیون‌ها نفر در این کشور از گرسنگی و فقر رنج می‌برند. حکومت بشار اسد در سطح بین‌المللی کاملاً منزوی است و به جز با ایران و روسیه با کشور دیگری رابطه دیپلماتیک ندارد.

بودجه سال ۲۰۲۱ که رقمی کمتر از ۷ میلیارد دالر امریکاست؛ نشانگر آن است که وضعیت اقتصادی دشوارتری در سال جاری در جریان است به ویژه که این رقم دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون دالر کمتر از سال گذشته است.

نگرانی مردم سوریه در سایه سکوت دولت در خصوص دریافت واکسن کرونا، افزایش یافته است به خصوص که اغلب کشورهای جهان از دستیابی یا خرید این واکسن سخن می‌گویند، در این میان، نگرانی بزرگتر مردم سوریه آزمایش واکسن‌های ضد کرونا روی آن‌هاست چرا که سازمان‌های حقوق بشری پیش‌تر از اقدام مسکو در آزمودن تسلیحات جدید خود طی سال‌های گذشته در سوریه خبر داده بودند؛ اقدامی که منجر به بروز نگرانی‌هایی در خصوص تکرار این تجربه در زمینه بهداشتی و واکسن شده است.

مردم سوریه در حالی وارد سال ۲۰۲۱ میلادی شدند که بسیاری از خدمات‌رسانی‌ها در مناطق تحت کنترل دولت به شدت تضعیف شده بود و مردم برای دستیابی به ساده‌ترین نیازهای زندگی خود باید در صف‌های طولانی انتظار می‌کشیدند، چرا که دولت سوریه در تامین کالاها و خدماتی نظیر بنزین، گاز، برق، نان و دیگر ضروریات زندگی در

سال کنونی با دشواری‌های شدیدتری روبه‌رو است به طوری که سندیکای قصاب‌ها اعلام کرده است که در سال ۲۰۲۰، ۴۰ درصد از مردم سوریه قادر به خرید گوشت نبودند و ۲۵ درصد نیز به صورت محدود و جزئی می‌توانستند گوشت بخرند؛ وضعیتی که نشانگر سالی به مراتب سخت‌تر و دشوارتر برای مردم سوریه بوده است. دولت کنترل دو سوم کشور را در دست دارد. بخشی از یک سوم باقی‌مانده در اختیار کردها و بقیه در دست گروه‌های مختلف شورشی است.

به این ترتیب انتخابات در چنین کشوری چه معنی دارد؟ شبکه اول تلویزیون المان از قول یک معلم سوری نوشته است که او و همکارانش از سوی حزب حاکم بعث، به شرکت در انتخابات مجبور شده‌اند. بعد از ده سال جنگ و آوارگی و فلاکت هنوز هم هیچ چشم‌انداز روشنی برای پایان جنگ خانمان‌سوز سوریه دیده نمی‌شود.

شاید بتوان گفت روسیه از نظر سیاسی و امنیتی برنده جنگ سوریه است. چرا که روسیه از موقعیت برتری در سوریه دارد و می‌تواند از آن به عنوان کارتی برای روابط دوجانبه با بازیگرانی مانند آمریکا، ترکیه، اسرائیل و ایران استفاده کند. به خصوص این بازیگران منافع متفاوت و حتی متضادی در سوریه دارند. برای مثال روسیه به طور هم‌زمان روابط نزدیکی با حکومت اسلامی ایران و حکومت اسرائیل دارد، در حالی که این دو حکومت مواضع کاملاً متضادی درباره وضعیت سوریه دارند.

در حقیقت حکومت روسیه از قدرت بازی بیش‌تری بین این بازیگران برخوردار است و حکومت اسد نیز به‌شدت به ادامه حمایت روسیه نیازمند است و به همین دلیل در شرایط کنونی می‌توان گفت برنده اصلی جنگ بیش از ده ساله سوریه روسیه است و بازندگان تاکنون آن نیز جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکیه است.

در نتیجه این جنگ خونین ۸۰ درصد مردم سوریه در ناامنی غذایی به سر می‌برند و ارزش پول ملی این کشور بیش از ۹۸ درصد کاهش یافته است. خسارات و زیان‌های اقتصادی جنگ سوریه دست‌کم هزار و دویست میلیارد دلار برآورد می‌شود. با جنگ و ادامه بن‌بست در سوریه کل خاورمیانه به ویژه جمهوری اسلامی ایران وارد دوره طولانی از تغییرات و تلاطم‌های سرنوشت‌ساز سیاسی شدند و در این میان جمهوری اسلامی ایران نیز تا حدودی سرنوشت خود را به ادامه جنگ سوریه و بقای حکومت اسد گره زده است.

ایران و روسیه از مهم‌ترین حامیان حکومت و ارتش بشار اسد به شمار می‌روند و هر دو کشور نیز به طور مستقیم وارد جنگ سوریه شده‌اند. بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله ترکیه و عربستان سعودی و متحدانش، از گروه‌های مختلف جنگ‌طلب حمایت می‌کنند و مخالف حکومت اسد هستند.

با بروز اولین اعتراض‌ها در سوریه در ماه مارس ۲۰۱۱، ارتش و نیروهای امنیتی تلاش کردند که با سرکوب کامل آن، همچنان پیش‌بینی اسد را واقعی جلوه دهد. اما روند حوادث به مسیر دیگری رفت و یکی از طولانی‌ترین و خونین‌ترین و پرهزینه‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین جنگ‌های داخلی تاریخ معاصر را رقم زده است.

تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به این جنگ خونین و ویران‌گر، متأسفانه تاکنون فرجامی نداشته است.

جمعه هفتم خرداد [جوزا] ۱۴۰۰ - بیست و هشتم مه ۲۰۲۱